



ترجمه سوره حجرات و گفتاری درباره آیین ترجمه قرآن

مصطفی ذاکری
(بخش دوم)

اشاره

در شماره پیشین مجله، بخش نخست این مقال که پیرامون شرایط مترجم و ترجمه قرآن بود از نظر شما خواننده گرامی گذشت. اکنون در این شماره ادامه سخن را که ترجمه و توضیحی درباره سوره حجرات است می خوانید.

ترجمان وحی

۳. ترجمه سوره حجرات

با توجه به نکاتی که در بند ۲ ذکر شد، حدود ۲۰ سال پیش سوره حجرات را ترجمه کرده بودم که اکنون به پیوست این گفتار منتشر می شود. می خواستم مقایسه ای از چند ترجمه مشهور از همین سوره را در اینجا ارائه کنم، اما این گفتار بسیار طولانی شده است و اگر کسانی مایل باشند، این ترجمه ها در دسترس است و در کتابخانه های عمومی و دانشگاهها یافت می شود. لذا کسانی که بخواهند می توانند این مقایسه را خود انجام دهند. در اینجا همین قدر می گویم که اکنون بعد از بیست سال که از این ترجمه می گذرد، می بینم که ترجمه بسیار دقیق و درست و منطبق است با موازینی که قبلاً ذکر شد و هیچ تغییر یا اصلاحی در آن لازم نمی بینم و امید است که خوانندگان نیز با حقیر هم آوا و هم عقیده باشند ولی البته هر انتقادی از صمیم قلب پذیرفته می شود، زیرا که با نقد درست دانش پیشرفت می کند و عیبه برطرف می شود.

اینک نخست ترجمه سوره حجرات و سپس مقاله راجع به حجره و خانه که در نام این

ترجمه سوره حجرات و گفتاری درباره... ۳۱ □

سوره آمده است تقدیم می‌گردد و فقط در اینجا یک نکته ذکر می‌شود که رحمان و رحیم هر دو صفت مشبّه‌اند از رحمت (ماده رحم) یکی بر وزن فعلاَن و دیگری بر وزن فعیل و در لغت با هم برابرند. اما در بینش قرآن و اسلام، رحمان را حاکی از رحمت عام خدا بر بندگان می‌دانند که شامل مؤمن و کافر (و حتی تمام موجودات عالم اعم از ذی روح یا غیر ذی روح) می‌شود و رحیم را رحمت خاص خدا می‌شناسند که مخصوص مؤمنان و بندگان پرهیزگار است که ثمره این رحمت، هم در این جهان مشهود است و هم در آن جهان به آنان عطا می‌شود، یعنی بهشت و خشنودی خدا، و در این دنیا هم آرامش خیال و اطمینان از لطف الهی در همه حال برای آنان هست. پس رحمانیت خدا همان بخشش و لطف عام اوست و رحیمیت او همان عفو و بخشایش وی است، و لذا شاید بهترین ترجمه «الرحمن الرحیم» بخشنده بخشاینده یا بخششگر بخشایشگر باشد که مانند رحمان و رحیم نوعی وابستگی لفظی را نشان می‌دهند، یعنی همان طور که رحمان و رحیم هردو صفت و مشتق از فعل رحمت‌اند، بخشنده و بخشاینده نیز صفت‌اند، اگرچه از یک ریشه و یک فعل نیستند (بخشنده از فعل بخشیدن به معنای عطا کردن است و بخشاینده از فعل بخشودن به معنای عفو کردن) اما در گوش شنونده چنان می‌آید که گویی از یک ریشه و فعل‌اند و این را شبه اشتقاق نامند و ما هم در این ترجمه همین وجه را اختیار کردیم. ضمناً بخشایش خدا مستلزم بخشش او هم هست، زیرا اگر از گناهان ما درگذرد نعمتهای بسیاری به ما خواهد بخشید.

در خاتمه این بحث از اینکه برخی مطالب استطراداً در ذیل عناوینی آمده است که چندان مرتبط به آنها نبوده و نیز از برخی تکرارها که برای تأکید صورت گرفته است از خوانندگان محترم پوزش می‌خواهم که اگر چنین نمی‌شد شاید این مطالب فراموش و فوت می‌شد. امید است صاحب نظران از راهنمایی و ابراز نظر دریغ نفرمایند.

سورة حجرات

به نام خدای بخشنده بخشاینده

ای کسانی که گرویده‌اید، در برابر خدا و فرستاده‌اش پیشی مجوید، و از خدا بترسید که خدا شنوای داناست ﴿۱﴾ ای کسانی که گرویده‌اید، آوای خویش را فراتر از آوای پیامبر مبرید و با او بلند سخن مگویید همچون بلند سخن گفتن برخی از شما با برخی دیگر؛ مبادا کردارهای (نیک) شما بیهوده گردد و شما (از آن) آگاه نباشید ﴿۲﴾ آنان که آوای خویش را در نزد فرستاده خدا فرود می‌آورند ایشان همانهایی هستند که خدا دلشان را به پرهیزگاری آزموده است؛ برای اینان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود ﴿۳﴾ همانا آن کسانی که تو را از پشت خانه‌ها بانگ می‌زنند بیشترشان خرد نمی‌ورزند؟ ﴿۴﴾ و اگر ایشان (در پشت خانه) می‌مانند تا توبه نزد ایشان بدرآیی برای آنان بهتر بود؛ و خدا آمرزنده بخشاینده است ﴿۵﴾ ای کسانی که گرویده‌اید، اگر نابکاری خبری برای شما آورد، (در باره درستی آن) بررسی کنید، مبادا که (در پی آن خبر) ندانسته گروهی را بیازارید و آنگاه از آنچه کرده‌اید پشیمان گردید ﴿۶﴾ و بدانید که در میان شما فرستاده خداست، اگر او از شما فرمان ببرد، در بسیاری از کارها، در سختی فروخواهید افتاد، ولی خدا (برای آزاد کردن شما از این سختیها) ایمان را به نزد شما دوست داشتنی کرده و آن را در دل شما آراسته و (از سوی دیگر) کفر و نابکاری و سرکشی را به نزد شما ناپسند داشته است؛ (ای پیامبر) اینانند راه یافتگان، ﴿۷﴾ از دهشی از خدا و نوازشی؛ و خدا دانای فرزانه است ﴿۸﴾ و اگر دو گروه از گروندگان با هم کارزار کنند، شما میان آن دو را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم کرد، شما با آن که ستم کرده است کارزار کنید تا به سوی فرمان خدا بازآید، پس چون باز آمد، شما میان آن دو را با دادگری آشتی دهید و خوشرفتار باشید، همانا که خدا خوشرفتاران را دوست دارد ﴿۹﴾ همانا که گروندگان برادران (یکدیگر) اند، پس میان دو برادر خویش را آشتی دهید و از خدا بترسید تا بخشوده شوید ﴿۱۰﴾ ای کسانی که گرویده‌اید، گروهی (از شما) گروه دیگر را دست نیندازد، چه بسا که اینان بهتر از آنان باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، چه بسا که اینان به از آنان باشند، و از خویشان بد مگویید و نام زشت بر یکدیگر منهد، چه زشت نامی است نابکاری پس از گرویدن! و هر که (از این نابکاریها) توبه نکند پس آنان ستمکاران اند ﴿۱۱﴾ ای کسانی که گرویده‌اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که برخی از گمانها گناه است، و (در کار یکدیگر)

□ ۳۳ ترجمه سوره حجرات و گفتاری درباره... □

کندوکاو مکنید، و برخی از شما در پشت سر برخی دیگر سخن نگویند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ (بی‌گمان) آن را ناپسند خواهید داشت، و بترسید از خدا که (اگر خدا ترس باشید) خدا توبه‌پذیر بخشاینده است ﴿۱۲﴾ ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای آفریدیم و (سپس) شما را نژادها و دودمانهایی گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا که گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست، همانا که خدا دانای آگاه است ﴿۱۳﴾ تازیان بیابانگرد گفتند: «ما گرویده‌ایم». (ای پیامبر، بدیشان) بگو: «شما نگروریده‌اید، و لیک بگویید: ما اسلام آورده‌ایم، چه هنوز ایمان در دل شما راه نیافته است، و اگر از خدا و فرستاده‌اش فرمان برید، از (پاداش) کردارهای (نیک) شما چیزی فروگذار نخواهد شد، همانا که خدا آمرزنده بخشاینده است» ﴿۱۴﴾ همانا گروندگان آناند که به خدا و فرستاده‌اش گرویده و سپس (در ایمان خویش) دودل نشده و با مال و جان خویش در راه خدا پیکار کرده‌اند؛ اینان راستگویانند ﴿۱۵﴾ (ای پیامبر، بدین بیابانگردان) بگو: آیا درباره دین خویش خدا را می‌آگاهانید، و خدا از آنچه در آسمانها و در زمین است آگاه است، و خدا به همه چیز داناست ﴿۱۶﴾ (این بیابانگردان) بر تو سپاس می‌نهند که (بدون جنگ) اسلام آورده‌اند، (بدیشان) بگو اسلام خویش را بر من سپاس منهد، بلکه خدا بر شما سپاس می‌نهد که شما را به سوی ایمان راه نموده است، اگر (در این سخن خویش) راستگو بوده‌اید ﴿۱۷﴾ خدا نهان آسمانها و زمین را می‌داند و خدا به آنچه می‌کنید بیناست ﴿۱۸﴾.

یادداشت‌های تفسیری درباره سوره حجرات

خانه، ترجمه حجره است که به زبان امروزی فارسی بدان اطاق می‌گویند. در قدیم در زبان فارسی به اطاق خانه گفته می‌شد و به مجموعه منزل مسکونی «سرای» اطلاق می‌گردید؛ به تدریج واژه ترکی «وثاق» یا «وثاق» که امروزه «اطاق» تلفظ می‌شود جای کلمه خانه را در فارسی گرفت و اکنون فقط در برخی لهجه‌ها خانه به معنای اطاق باقی مانده است و در فارسی، خانه اکنون به سرای گفته می‌شود و سرای هم از زبان معمولی فارسی تقریباً رخت بر بسته است و جز در شعر و در برخی ترکیبات مانند «کاروانسرا»، «مهمانسرا» و امثال آن به کار برده نمی‌شود ولی در برخی لهجه‌ها هنوز هم از آن استفاده می‌شود. ما چون در این ترجمه واژه‌های اصیل فارسی را بر سایر واژه‌ها ترجیح می‌دهیم لذا برای حجره همان واژه

خانه را انتخاب کردیم.

اما منظور از حجره یا خانه در اینجا همان اطاقهای کوچکی بود که در کنار مسجد پیامبر(ص) در مدینه برای آسایش آن حضرت و همسرانشان ساخته شده بود و هر خانه به یکی از زنان ایشان اختصاص داشت. تاریخ بنای این خانه‌ها به اندکی بعد از هجرت پیامبر(ص) به یثرب، باز می‌گردد. هنگامی که ایشان بدین شهر رسیدند، در صدد ساختن مسجد برآمدند؛ چه نماز مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه اسلام بود و نماز جماعت بهترین فرصت برای جمع شدن منظم مسلمانان و آشنایی دایمی با یکدیگر و شور و مشورت کردن در امور با همدیگر به شمار می‌رفت؛ لذا نخستین بنایی که آن حضرت در یثرب (که بعداً به نام ایشان مدینه النبی یا باختصار مدینه نامیده شد) برپا کرد مسجد بود. برای این کار، انبار خرمایی را که متعلق به دو کودک یتیم بود از قیم آن کودکان، اسعد بن زراره، به مبلغ ده دینار (ده سکه یک مثقالی طلا) خریدند. این انبار فقط یک چهاردیواری بی سقف بود که هفت ماه بعد از هجرت، در قسمت شرقی آن زمین، نخستین خانه‌ها یا به اصطلاح امروز اطاقها ساخته شد. ابتدا فقط دو خانه محقر و کوچک در کنار هم در سمت چپ قبله، در مشرق همان انبار خرما ساخته شد که یکی از آنها برای سکونت خود آن حضرت بود و از آن دری به مسجد گشوده می‌شد. خانه دوم برای عایشه و خدمتکارش بود. بعداً که به تدریج بر تعداد همسران ایشان افزوده شد، خانه‌های دیگری در کنار آن دو خانه ساختند تا تعداد آنها به نه خانه رسید. یعنی هر بار که آن حضرت بنا به مصالح سیاسی و اجتماعی همسر جدیدی می‌گرفتند بلافاصله برای او خانه تازه‌ای می‌ساختند و به خانه‌های قبلی متصل می‌کردند. این خانه‌ها یا اطاقها در پیرامون یک حیاط کوچک (یا به اصطلاح امروز حیاط خلوت) ساخته و به هم پیوسته شده بود. طول و عرض هر کدام از این خانه‌ها تقریباً معادل $3/5$ متر بود و ظاهراً مساحت کل سرای پیامبر چیزی در حدود 170 متر مربع می‌شد.

هنگامی که حضرت رسول(ص) رحلت فرمودند، جسد ایشان را در همان خانه شخصی ایشان دفن کردند. بعد از وفات پیامبر، ابوبکر برخی از خانه‌های زنان پیامبر را خرید و به مسجد ملحق کرد و خلفای بعد از او به تدریج بقیه اطاقهای همسران پیامبر و نیز خانه‌های دیگری را که در جوار مسجد پیامبر بود خریدند و به مسجد ملحق کردند.^۱ اکنون اطاق

۱. ر.ک. تاریخ جغرافیایی مکه و مدینه، حسین عمادزاده، ص ۳۵۵-۳۵۷.

ترجمه سوره حجرات و گفتاری درباره... ۳۵ □

شخصی پیامبر که تبدیل به مقبره ایشان شده است، در داخل مسجد النبی در شبستان سمت چپ واقع شده و ضریح زیبایی آن را از مسجد جدا می‌کند.

اما حجرات یعنی خانه‌ها (نام این سوره) از آیه ۴ همین سوره گرفته شده است که در آن به رفتار نامناسب برخی تازیان بیابانگرد اشاره شده که در پشت خانه‌های پیامبر می‌آمدند و با فریاد ایشان را صدا می‌کردند که بیرون بیاید تا او را ببینند و از او مسائل دینی بپرسند. باید توجه داشت که نام سوره‌ها را خود پیامبر (به آموزش خدای بزرگ و دانا) انتخاب می‌کرد و این نامها در زمان پیامبر رایج بود. حال اگر توجه کنیم که نام خانه‌های کوچک و محقر پیامبر بر یک سوره قرآن نهاده شده، بدین فکر فرو می‌رویم که چرا از میان این همه واژه که در این سوره هست نام «حجرات» انتخاب گردیده است؟ شاید یکی از دلایل آن این باشد که خداوند خواسته است به مؤمنان و مسلمانان تا قیامت یادآوری فرماید که آخرین فرستاده او و دوست یگانه اش محمد (ص) در کاخ نمی‌زیست و محل اقامتش چند خانه خشت و گلی با سقف کوتاه بود که خود و همسرانش در آن زندگی می‌کردند و یک جامعه بزرگ دینی را در همان خانه و مسجد کنار آن اداره می‌کردند. وسایل و اثاث درون این خانه‌ها نیز بسیار ساده و بی‌پیرایه بود و گرچه برخی از زنان آن حضرت از بزرگ‌ترین اشراف عرب بودند اما زندگی بسیار ساده‌ای را با آن حضرت می‌گذراندند و هیچ آرایش و زینتی در آن خانه‌ها وجود نداشت، حتی موقعی که از غنایم گرانبهای جنگی خمس آن را برمی‌داشتند، هرگز از آن غنایم برای تزیین خانه‌های خود و همسرانشان استفاده نکردند، و بزرگ‌ترین مرد عرب هنگامی که رحلت فرمود، از مال دنیا هیچ ثروتی نداشت.

این خانه‌ها محل خاطرات مسلمانان نخستین بود که هنگام غربت اسلام و زمانی که جماعت اندک مسلمانان شبها در مدینه از بیم حمله دشمنان خواب آرام نداشتند، در کنار همین خانه‌ها به ساختن یک جامعه ایده‌آل مشغول بودند. پیامبر را می‌دیدند که روزها در مسجد به کار مسلمانان رسیدگی می‌کند و مبانی اسلام و اخلاق و دین را به مردم ساده و نادان و تاحدی غیرمتمدن می‌آموزد تا اندکی بعد، از میان آنان بزرگ‌ترین و بهترین افراد بشر را پرورد. کسانی چون سلمان، مقداد، ابوذر، حجر و دیگران که هر کدام پایه استوار تقوا و ایمان و پاکی و عظمت بودند از این جمله‌اند. شبها صدای پیامبر را از درون این حجره‌ها می‌شنیدند که تا دیروقت به نماز و دعا و استغفار برای امت خود مشغول است. پیامبر نه دربان داشت و نه

محافظ و حتی خانه‌های او در و پیکر استواری هم نداشت و چنان ساده در این خانه‌ها رفت و آمد می‌کرد که بیابانگردان نیمه متمدن به خود جرأت داده شب و روز، وقت و بی‌وقت بر در سرای او آمده با بانگ ناهنجار او را به سوی خود می‌خواندند و اغلب سؤالهای ساده و بیجایی از او می‌کردند و یا بر او منت می‌گذاشتند که هان ما اکنون مسلمان شدیم. شاید یک دلیل دیگر برای نام حجرات که بر روی این سوره است این باشد که مردم دنیا تا ابد بدانند که پیامبر اهل عیش و نوش و فخر و تفاخر نبوده است. او می‌توانسته برای خود کاخی عظیم بسازد و مردم عامی هم از بناهای بزرگ و سترگ و با ابهت بیشتر مجذوب می‌شوند و حاضرند که برای آن کار کنند اما پیامبر اسلام یک پادشاه نبود، یک امیر و دیکتاتور نبود بلکه مردی بود که خدا او را برای هدایت و تعلیم مردم و تزکیه و تأدیب و پرورش آنان در حکمت و عقل و آموختن قرآن و اسرار آن فرستاده بود.

